



● محمد مهدی

دوره فعالیت‌های قضائی و اطلاعاتی حجت الاسلام محمد مهدی ری شهری از خطرناک‌ترین مقاطع چالش نظام اسلامی با بحرانها ست و طبعاً از نقش یادگار امام در دفع این خطرات گفتنیهای فراوانی دارد. شاهد یاران برای یادمان حاضر در پی گفت‌وگوشود تازه تر با ایشان بود که به دلیل مشغله فراوان ایشان میسر نگردید، امید آنکه در آینده ای نزدیک، این امکان فراهم آید. آنچه در پی می آید گفت و گوفی است که واحد خاطرات موسسه تنظیم و نشر آثار امام با ایشان انجام داده است.

«یادگار امام و چالشهای نظام اسلامی»  
در گفت و شنود با حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی ری شهری

# پس از رحلت امام، شخصیت او به تمامی جلوه کرد...

رسیدم، مرحوم احمد آقا هم حضور داشت. همین که نشستیم، او مطالبی را که من در باره پرونده گفته بودم، برای امام نقل کرد و گفت: «مگر شما به من نفرمودید که به شورای عالی قضائی این طور بگویم؟» امام فرمودند: «بله، من گفتم». احمد آقا می خواست به من بپیماند که اگر کاری کرده، از طرف خودش نبوده و در واقع نظر امام را اجرا کرده است.

به هر حال من توضیح دادم که پرونده در جریان است و من چون احساس می کردم کسانی می خواهند در این پرونده دخالت کنند، به درخواست شورایعالی قضائی مبنی بر دادن پرونده به آنها اعتراض کردم. امام فرمودند: «من نمی گویم به پرونده رسیدگی نشود، ولی دو نکته را باید مد نظر داشته باشید. یکی اینکه فردی که به پرونده رسیدگی می کند باید آدم کاملاً مطمئنی باشد، ثانیاً تا جرم اثبات نشده، متهم به زندان نرود، ولی اگر با این شرایط جرم اثبات شد، باید طبق ضوابط، محکومیت خود را بکشد.»

مرحوم احمد آقا با آنکه حرفهایی را که من موقع عصبانیت گفته بودم، شنیده بود، همان جا و پس از اتمام فرمایشات حضرت امام گفت که بهترین فرد برای رسیدگی به این پرونده، من هستم. من عرض کردم که دادستان دارد رسیدگی می کند و من هم مسئول دادگاه هستم. دستور دادند که خودت شخصاً به این پرونده رسیدگی کن و مراقب باش که قبل از محکومیت به زندان نرود. در جریان مهدی هاشمی هم من خیلی به ایشان تذکره کردم، ولی باز برخوردش منصفانه بود و تا همین اواخر هم حرفهایی را که موقع تذکره به او گفته بودم، با من و بعضی از دوستان مطرح می کرد و می خندید. او همیشه می گفت: «من شما را برادر خودم می دانم.» و ابتدا از برخوردهای من تذکری را به دل نمی گرفت.

در مورد صراحت ایشان هم خاطره جالبی دارم. در سال ۷۳، خبرگان داشتند ماده واحده ای را در مورد فعال کردن مجلس خبرگان، تصویب می کردند. در آنجا یک جمله ای به طور خیلی محترمانه در باره موضوعی درج شده بود. مرحوم حاج احمد آقا گفت: «این جمله شما نشانده ترس است. شما می خواهید مجلس خبرگان را فعال کنید، ولی جمله ای می گذارید که بوی ترس می دهد. این جمله با آن کار شما جور در نمی آید.» همه خنده شان گرفت و جمله را اصلاح کردند. همیشه با چهره ای خندان و با خورشورنی، حرفش را صریح و صاف و پوست کنده می زد و با کسی رودربایستی نداشت. از نظر سیاسی چه ویژگیهایی داشتند؟ از نظر سیاسی صد در صد تابع امام بود. با جناحها و افراد مختلف نشست و برخاست داشت. اما تا آنجا که تشخیص می داد حق با آنهاست. بعد از رحلت امام هم دقیقاً بر اساس سیاست مقام معظم رهبری حرکت می کرد. هیچ وقت خود را در چهارچوب حزب و جریان خاصی محدود نکرد.

زمینه ها از جمله حمایت از نظام، انقلاب، رهبری، دوری از قدرت طلبی و مظاهر قدرت و حرکت مستقیم در خط ولایت عمل کرد. بسیاری از دوستان که ایشان را نمی شناختند و با خصوصیات خلقی وی آشنا نبودند، باور نمی کردند که وی با آن محبوبیت عجیبی که در میان مردم دارد و متناسب به حضرت امام هم هست، برای رسیدن به قدرت، کوچک ترین تلاشی نمی کند و خود را از این عرصه ها به کلی کنار کشیده است.

ویژگیهای بارز مرحوم حاج احمد آقا از نظر شما کدامند؟ رازداری او صفت بسیار مهم و قابل تحسینی بود. دیگر امانتداری او بود که در وی به حد کمال وجود داشت و سلامت ارتباطات امام با مسئولین و مردم را تضمین می کرد و به همین دلیل مورد وثوق همگان بود. تواضع وی بسیار بارز بود و این را در مقابل فقیر و غنی، مقامات بلند پایه و مردم عادی، به یکسان مراعات می کرد. انصاف و صراحت بیان نیز در وی نمود آشکاری داشت. در مورد انصاف وی خاطره ای را نقل می کنم:

سال ۶۲ بود و من مسئول دادگاههای ارتش بودم. پرونده ای در دادگاه مطرح و متهم به دادرسی احضار شد. در فاصله ای که دادستان مشغول رسیدگی به پرونده بود، یکی از اعضای شورایعالی دفاع، بهرپرونده را خواست. من احساس کردم در پرونده دخالت شده است و عصبانی شدم و زنگ زدم که: «چرا پرونده را می خواهید؟» گفتند: «حاج احمد آقا خواسته.» من عصبانی تر شدم و به آن عضو شورا یعالی گفتم: «گرفتن این پرونده، روسیاهی دنیا و آخرت است. شما این پرونده را نگیرید. بگذارید رسیدگی شود.» فردای آن روز، امام مرا احضار کردند. من خدمتشان

در مورد صراحت ایشان هم خاطره جالبی دارم. در سال ۷۳، خبرگان داشتند ماده واحده ای را در مورد فعال کردن مجلس خبرگان، تصویب می کردند. در آنجا یک جمله ای به طور خیلی محترمانه در باره موضوعی درج شده بود. مرحوم حاج احمد آقا گفت: «این جمله شما نشانده ترس است. شما می خواهید مجلس خبرگان را فعال کنید، ولی جمله ای می گذارید که بوی ترس می دهد. این جمله با آن کار شما جور در نمی آید.» همه خنده شان گرفت و جمله را اصلاح کردند.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مرحوم سید احمد آقا را چگونه تحلیل می کنید؟

خدمات ایشان و تگون شخصیت سیاسی و اجتماعی وی را باید در چهار دوره پیش از انقلاب، پس از انقلاب تا سقوط بنی صدر، سقوط بنی صدر تا رحلت امام و پس از امام تا رحلت، تحلیل کرد.

قبل از انقلاب وی را می شناختم، اما با او رابطه نزدیک نداشتم. اما در سه دوره بعد، رابطه ما بسیار نزدیک بود. به خصوص بعد از پیروزی انقلاب و در سال ۵۸ که به تهران آمدم و مسئول دادگاههای انقلاب ارتش شدم. در آن شرایط، در مملکت توطئه های زیادی وجود داشتند و بدیهی است که کار من، ارتباط دائمی با بیت امام را اقتضا می کرد و لذا، آشنائی من با حاج احمد آقا بیشتر شد. به اعتقاد من، اوج درخشش شخصیت سیاسی و اجتماعی ایشان، در دوره سوم و چهارم بود. از پیروزی انقلاب تا سقوط بنی صدر، مرحوم حاج احمد آقا، بیشتر در بیت امام، نقش رابط و مجری دستورات ایشان را به عهده داشت. در دوران ریاست جمهوری بنی صدر و زمانی که وی از سوی امام، فرماندهی کل قوا را هم به عهده داشت. در نیروهای مسلح توطئه ای کشف شد که لازم بود به عرض امام برسانم. خدمت امام رفتم و مطلب را گفتم. ایشان چون فرماندهی کل قوا را به بنی صدر واگذار کرده بودند و نمی خواستند شخصاً در مسئله دخالت کنند، رو کردند به حاج احمد آقا و فرمودند: «احمد! همراه ایشان برو و به بنی صدر تاکید کن که به آنچه که ایشان می گویند، فوراً رسیدگی کند.» مرحوم حاج احمد آقا همراه من آمد. در پیکانی نشسته بودیم. ایشان جلو نشست و من عقب. رسیدیم به مقر ریاست جمهوری. حاج احمد آقا پیام امام را داد و خطاب به بنی صدر گفت: «شما با حزب جمهوری اسلامی مشکل داری. آقای ری شهری که حزبی نیست، پس گوش بده! نظر امام این است که فوراً به این مسئله رسیدگی شود.»

بعد از سقوط بنی صدر و در دوران سوم فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، مرحوم حاج احمد آقا با تکیه بر استعداد و هوش سرشار و تجربه های ارزشمندی که پس از سالها تلاش به دست آورده بود، به تدریج در مسائل سیاسی، عنصری کار آمد و صاحب نظر شد و در این دوران هم به عنوان رابط حضرت امام و مسئولان عمل می کرد و هم به عنوان فردی صاحب نظر، طرف مشورت حضرت امام بود. او غالباً در جلسات سران سه قوه شرکت می کرد و مطالبی را که در آنجا طرح می شدند، به عرض امام می رساند و خودش هم به عنوان یک فرد صاحب نظر، آرای خود را مطرح می کرد و امام هم به نظرهای او توجه داشتند. اما پس از رحلت امام بود که شخصیت درخشان او به تمامی جلوه کرد. خیلیها متوجه نبودند که چرا حضرت امام، این قدر به حاج احمد آقا اعتماد دارند و به نظرهای او توجه می کنند. با رحلت امام، حاج احمد آقا به تک تک و صیایای ایشان در همه